

اکتساب زبان مادری در کودک (First Language Acquisition)

دکتر منصور فهیم*

مقدمه

در روند اکتساب (acquisition) زبان مادری پیرامون بسیاری از زبانهای زنده دنیا تحقیقات وسیعی صورت گرفته است و در اغلب موارد نتایج بسیار مشابهی بدست آمده است که این امر به فرضیه جهانی بودن زبان (Language Universals) قوت بیشتری می بخشد. این تحقیقات در مورد زبانهای انگلیسی، فرانسه، روسی، آلمانی، اسپانیولی، ایتالیایی، عربی، چینی، ترکی، ژاپنی، عبری، لهستانی و برخی از زبانهای آفریقایی به صورت مکتوب و بسط یافته‌ای انجام شده است. بررسی و تحقیق نشان داده است که تاکنون تحقیق منسجم و همه جانبه‌ای پیرامون مراحل رشد زبان فارسی انجام نشده است. مقاله حاضر بخش بسیار محدود و چکیده‌ای است از یک تحقیق موردی (Case Study) که اخیراً به صورت رساله دکتری ارائه شده است.

امید است تحقیقات موردی مشابهی پیرامون مراحل رشد زبان فارسی انجام گیرد تا شاید بتوان به مانند تحقیقات انجام شده در سایر زبانهای زنده دنیا شواهد و نشانه‌های روشنی از روند اکتساب زبان مادری در مراحل رشد زبان فارسی نیز در سطح جهان ارائه نمود. شایان ذکر است که به منظور تحقق این امر اصل تحقیق کلاً به زبان انگلیسی که در سطح وسیعی از جهان مورد استفاده دارد انجام شده است.

نظریه‌های غالب پیرامون اکتساب زبان مادری:

دو استنباط مهم اساس بسیاری از تحقیقات سالهای اخیر را پیرامون اکتساب زبان مادری تشکیل می دهد. استنباط نخست این است که کودک شکل ناقصی از زبان محیط زندگی خود را صحبت نمی کند بلکه او به

* عضو هیئت علمی گروه زبان انگلیسی و زبان شناسی دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - دانشگاه

زبان ویژه خودش و با استفاده از الگوهای خاص کودکان صحبت می‌کند، لذا بسیار بجا خواهد بود که زبان خاص کودکان در قالب مختصات زبان کودک مورد بحث قرارگیرد.

استباط دوم این است که علی‌الاصول کودک شبیه یک زبان شناس عمل می‌کند. او با انبوهی از مطالب زبانی موجود در محیط زندگیش روبروست که مجبور است بطور ناخودآگاه و بتدریج اصول و قواعد مربوط به زبان مادریش را کسب نماید و در محاورات خود به کار بندد.

دیری نمی‌پاید که کودک در برقراری ارتباط با افراد محیط زندگیش، علی‌رغم سن بسیار کم خود، از توان بسیار بالایی برخوردار می‌شود. کودک زندگی را با گریه آغاز می‌کند، ظرف چند هفته اصواتی تولید می‌کند که به برخی از آواهای زبانی قابل تعبیر است و در ماههای آغازین زندگی آثار ترکیب این آواها بخوبی ظاهر می‌شود و به تدریج ارسال انواع پیامهای زبانی و غیرزبانی را آغاز می‌کند و همزمان با ارسال این پیامها قادر است بسیاری را دریافت نماید. البته در این مرحله از رشد همواره توان دریافتهای او بیش از توان تولیدات او می‌باشد.

در حدود سن ۱۲ ماهگی کودک برخی از اصوات زبانی را مشخص‌تر از دوران قبل تولید می‌کند و تاسطح تولید تک واژه (Single-word Production) پیش می‌رود که هر تک واژه ممکن است حاوی یک پیام کامل باشد که می‌توان آن را "واژه عبارت" به جای (Holophrastic) نام نهاد. پس از این مرحله، تک واژه‌ها بتدریج با هم ترکیب می‌شوند و پیامهای روشن‌تری می‌دهند.

در حدود سنین ۱۶ تا ۱۸ ماهگی تعداد تک واژه‌ها به نحو چشم‌گیری افزایش می‌یابد و کودک تلاش فراوان به ترکیب آنها دارد که به صورت ترکیب دو واژه‌ای، سه واژه‌ای و نهایتاً چند واژه‌ای (Multi-word Production) به صورت جمله‌های ناقص ظاهر می‌شود که به مرحله تلگرافی (Telegraphic) شهرت یافته است.

از سن ۲۰ ماهگی به بعد و تا حدود سه سالگی، تنها واژه‌های جدید تولید نمی‌شود بلکه در کنار تولید آنها ترکیب این واژه‌ها بسیار واضح‌تر می‌شود و حاصل کار رسیدن به جملات کامل‌تر است و کودکی که حدود سه سال پیش زندگی را با گریه آغاز کرده بود، امروز قادر است حجم بسیار عظیمی از داده‌های زبانی را به راحتی درک نماید و توان تکلمی خودش به میزانی از رشد رسیده است که می‌تواند مکالمات پیوسته و حتی طولانی را در سطح قابل قبولی انجام دهد. اگرچه در اغلب موارد معنی و مفهوم درستی از اصطلاحات و استعارات بزرگسالان را دریافت نمی‌کند ولی در مواردی خاص، در جاها و بافتهای مناسب زبانی، به درستی از آنها استفاده می‌نماید.

این رشد سریع زبانی اعجاب برانگیز است و نظریه پردازان "اکتساب زبان مادری" در تلاشند که دریابند این تغییر شگرف و عظیم چگونه به وقوع می‌پیوندد. عقل‌گرایان (Rationalists) بر ذاتی بودن زبان تاکید دارند. آنها به اصول و قواعدی تاکید دارند که از نحوه فعالیت‌های مغزی و ذهنی انسان نشأت می‌گیرد. آنها معتقدند که ارگانهای شکل دهنده زبان مستقیماً و یا حداقل به طور غیرمستقیم ادراک و یادگیری را به

شیوه‌ای که منحصرأ مختص انسان است هدایت می‌کند.

از سوی دیگر تجربه‌گرایان (Empiricists) براین اعتقادند که تجربه و عوامل محیطی اصول و قواعد زبانی را شکل می‌دهند و نتیجه این امر بروز یک نوع رفتار اجتماعی را بنام زبان سبب می‌شود که این رفتار اجتماعی خاص انسان است. تجربه‌گرایان اعتقادی به ذاتی بودن زبان ندارند و از دید آنها مفاهیم ذاتی انسان در واقع محصول محیط زندگی اوست که بنحوی از طریق حواس گوناگون به وی منتقل می‌شود.

عقل‌گرایان ماهیت زبان انسان را مستقیماً به افکار او و اصول و قواعدی جهانی که کلیه فعالیت‌های ذهنی انسان را تحت هدایت خود دارد ربط می‌دهند. نکته مهم و شایان ذکر این است که عقل‌گرایان معتقدند قواعد شکل دهنده خاصی به منظور ادراک عناصر زبانی، سازمان‌دهی آنها و در نهایت به کارگیری چنین دانشی در ذهن وجود دارد. کس (Kess) روانشناس معروف چنین می‌گوید:

«... مفاهیم ذاتی جهانی به واسطه تجربیاتی ویژه در وجود انسان حضور ندارد بلکه حضور چنین مفاهیم ذاتی جهانی به ماهیت ذهن خود انسان مربوط می‌شود.»

زبان مادری در اثر ایجاد تغییرات تدریجی در سطح آوایی، واژگانی، نحوی و مفاهیم معنایی با توجه به محیطی که در آن قرار دارد اکتساب می‌شود. کودک با تولید اصوات زبانی که از نظر خودش هیچ جایگاه معنایی ندارد و در واقع براساس تعابیر بزرگسالان مفهوم‌دار می‌شوند تولید زبان را آغاز می‌کند و به تدریج با مواجه شدن با ساختارهای مختلف محیط زندگی، الگوهای ویژه در ذهنش تجزیه و تحلیل می‌شود و سپس به زبان ویژه کودک تبدیل می‌شود یعنی به زبانی که از اصول و قواعد خاص خود برخوردار است.

از آنجا که وجوه متفاوت جهانی بودن زبان (Language Universals) مورد نظر است قاعدتاً ضرورت دارد زبانهای موجود جهان مورد مطالعه و بررسی قرارگیرد. همانگونه که قبلاً اشاره شد این مهم در بسیاری از زبانهای زنده دنیا به انجام رسیده است ولی متأسفانه تا تاریخ انجام دادن این تحقیق هیچگونه خبری از انجام دادن تحقیقی همه جانبه پیرامون اکتساب زبان فارسی بدست نیاوردم، لذا تصمیم گرفتم که از سن هفت ماهگی تا سی و چهار ماهگی مراحل رشد زبانی فرزند خودم را مورد مطالعه و بررسی قرار دهم.

هدف از انجام دادن تحقیق

هدف از انجام دادن این تحقیق بررسی دو نکته زیر است:

۱- کودک فارسی زبان در چه مرحله‌ای از رشد زبانی قادر می‌شود اصوات تولید شده را به معانی ربط دهد؟

۲- رشد آوایی، واژگانی و نحوی زبان اکتسابی کودک در مراحل مختلف رشد دستخوش چه تحولاتی

می‌شود؟

روش تحقیق

اگرچه از آغاز تولد تغییرات شناختی و مراحل رشد زبانی کودک مورد توجه خاص بود ولی تحقیقات و بررسی‌های دقیق، یادداشت‌برداری و ضبط اصوات تولید شده در مراحل مختلف از هفت ماهگی آغاز شد. نمودارهای مربوط به هر مقطع و جداول مختلف در پایان هر دوره تهیه شد و لیست واژه‌ها و واژه ترکیب‌های جدید از دوازده ماهگی تا سی و چهار ماهگی مهیا گردید.

مراحل مختلف رشد زبانی ۲۷ ماهه کودک به پنج قسمت جداگانه که البته بدون تردید در مراحل هم‌مرز از تداخل و هم‌پوشی خاص خود برخوردارند، تقسیم شد و این تقسیم‌بندی تعیین‌کننده چارچوب و خط و مشی اصلی این تحقیق بوده است.

مراحل پنجگانه تحقیق

۱ - مرحله اول: ۷ تا ۱۲ ماهگی (دوره پیش زبانی (Prelinguistic Period))

این مرحله شامل گریه کردن، بلمیدن (صدای بلع)، صدای آب دهان بیرون دادن، خندیدن، آفون آفون کردن، تولید برخی از اصوات زبانی (البته به تعبیر بزرگسالان) به صورت صامت و مصوت، تلاش در ترکیب اصوات زبانی تولید شده و نهایتاً تولید حدود بیست و پنج واژه نسبتاً مبهم بود.

۲ - مرحله دوم: ۱۲ تا ۱۸ ماهگی (دوره تولید تک واژه (Single-word Production Period))

در این مرحله تولید تک واژه‌های معنی‌دار کاملاً مشخص است و هر تک واژه که تولید می‌شود می‌تواند حامل یک ایده، پیام و یا درخواست باشد که اصطلاحاً آن را «واژه عبارت» (holophrastic) نام نهاده‌اند.

۳ - مرحله سوم: ۱۸ تا ۲۴ ماهگی (دوره تولید چند واژه‌ای اولیه)

(Early Multi-word Production Period)

در این مرحله واژه‌ها بتدریج ترکیب می‌شوند و بسوی ایجاد واژه ترکیب‌های بیشتری پیش می‌روند که گفتار کودک شکل تلگرافی پیدا می‌کند که اصطلاحاً به دوره تلگرافی (Telegraphic Period) هم معروف شده است.

۴ - مرحله چهارم: ۲۴ تا ۳۰ ماهگی (دوره تولید چند واژه‌ای پیشرفته‌تر)

(Later Multi-word Production Period)

در این مرحله از رشد زبانی، تولید عبارات ناقص (منظور عبارات ناقص بدون فعل و فاعل "Phrases" و عبارات ناقص فعل و فاعل دار "Clauses" می‌باشد) و حتی جملات کامل را شاهد هستیم و این در حالی است که تولید واژه‌های جدید کماکان و سرعت ادامه دارد.

۵ - مرحله پنجم: ۳۰ تا ۳۴ ماهگی (دوره تولید ترکیب‌های اولیه مشابه بزرگسالان)

(Early Adult-like Production Period)

در این مرحله از رشد زبانی، پیشرفتهای نحوی به طرز چشمگیری محسوس است. جملات کامل تر و پیشرفته تری تولید می شود. کودک برخی از اصطلاحات متداول بین بزرگسالان را به کار می برد که ممکن است اغلب با معنی و مفهوم آنها آشنا نباشد ولی در کاربرد آنها تقریباً همیشه درست عمل می کند.

تجزیه و تحلیل مراحل پنجگانه رشد زبانی

۱ - دوره پیش زبانی: ۷ تا ۱۲ ماهگی

از آنجا که تغییرات حاصله در این مرحله به دقت و توجه بیشتری نیاز دارد و تحلیل بخشی از داده ها منوط به تعبیرات بزرگسالان می باشد، برخی از محققان در این راستا تقسیم بندی هفتگی را پیشنهاد کرده اند.

تقسیم بندی هفتگی مربوط به مرحله اول

۱ - صفر تا ۸ هفتگی

این دوره شامل گریه های حاکی از درد و گرسنگی و سرما و خیره می باشد به اضافه تولید صداهایی که قاعدتاً به زمینه رشد جسمانی کودک مربوط می شود مانند صدای بلعیدن مایعات و مواد غذایی و سک سکه، صدای خارج کردن هوای بازدم از میان لبها و همچنین صدای بیرون دادن آب دهان.

۲ - ۸ تا ۲۰ هفتگی

دوره تولید برخی اصوات زبانی به صورت "آقون آقون" و "ان واون" کردن (Cooing and babbling) و با صدای بلند خندیدن - آقون آقون و ان واون کردن را می توان به ترکیب اصوات اولیه تعبیر کرد ولی هیچ معانی برای آنها نمی توان متصور شد. در برخی موارد از این طریق شادی یا ناراحتی کودک را می توان حدس زد.

۳ - ۱۶ تا ۳۰ هفتگی

در این مقطع زمانی بتدریج ترکیبهای طولانی تری به صورت بخشهایی مرکب از حروف صامت و مصوت تولید می شود.

۴ - ۳۰ تا ۵۰ هفتگی

این مرحله که آخرین مرحله تقسیم بندی هفتگی است تقریباً همزمان با ۷ الی ۱۲ ماهگی است. این مرحله برابر است با مرحله اول این تحقیق، همانگونه که قبلاً اشاره شد بررسی کلی تحقیق حاضر از هفت ماهگی تا سی و چهار ماهگی انجام شده است که مرحله اول آن ۷ الی ۱۲ ماهگی یعنی هفته ۳۰ الی ۵۰ می باشد. در این مرحله تعداد زیادی از مصوتها و صامتها بطور جداگانه و حتی به صورت ترکیبی تولید

می‌شوند و نهایتاً در هفته‌های پایانی این مرحله گسترش ترکیبها به تولید معدودی واژه می‌انجامد. تکرار ترکیبی صامت مصوت به صورت زیر ظاهر می‌شود:

/ د - د - د / یا / م - م - م / یا / د - د - د / که در آنها مصوت / ا / یا / آ / تغییر می‌کند و صامت / م / یا / د / ثابت می‌ماند. شاید بتوان از آنها بنام «هجای بی مفهوم مکرر» (Reduplicated babbling) یاد کرد.

برای مرحله اول (پیش زبانی) این تحقیق هفت جدول که نشان دهنده اصوات زبانی، ترکیبهای آنها و نهایتاً تولید تعدادی واژه می‌باشد تهیه شده است. نکته مهم دیگر آخرین ماه این دوره بسط دادن یکی ترکیب برای المراد و تصاویر متفاوت ولی هم‌گن بود، مثلاً آوای /ب/ برای آدمها و تصاویر تلویزیونی و غیر تلویزیونی آنها به کار می‌رفت. و نیز در این مرحله با بردن نام برخی از اشیاء موجود در محیط اطرافش، او به آنها نگاه می‌کرد و در بعضی موارد هم به آنها اشاره می‌کرد ولی در این مقطع قادر به تشخیص اعضای بدن خود و یا اشاره کردن به آنها نبود. شاید کودک در این مرحله از رشد وجود خود را هنوز دریافته باشد و فقط اشیاء و المراد اطرافش را شناسایی می‌کند. در مورد دست او، حتی تلاش شد که به او آموزش داده شود که این "دست" است ولی در این مرحله او متوجه منظور نشد و آن را نیاموخت. برای این دوره (ماههای ۷ الی ۱۲ ماهگی) جدولی که معرف مصوتها و صامتهای تولید شده بود تهیه شد.

۲ - دوره تولید تک واژه: ۱۲ تا ۱۸ ماهگی

در این مرحله ترکیبات صامت - مصوتی مرحله قبل بتدریج تکرار خود را از دست داد و به ترکیبهای ثابتی از هجای مصوتی، صامت - مصوتی و صامت - مصوتی - صامت به صورت ردیفی ظاهر شد. در این حالت مصوتها و صامتها به مانند مرحله قبل که / د - د - د / یا / د - د - د / یا / م - م - م / بودند به شکلهای متفاوت هجائی و گسترده تری ظاهر شدند که نهایتاً به تولید واژه‌های متعددی که در ماههای پایانی این دوره بتدریج شکل ترکیبی نیز پیدا کردند منتهی گردید. تولید مصوتها و صامتهای جدید به شدت رو به کاهش نهاد و در عوض تمرین بر روی مصوتها و صامتهایی که قبلاً تولید شده بودند متمرکز شد و در نتیجه تولید واژگانی از تواتر بالاتری برخوردار گردید. مثلاً در ماههای ۱۴ الی ۱۸ ماهگی هیچ مصوت جدیدی تولید نشد و تعداد صامتهای تولید شده فقط سه عدد بود ولی عمل ترکیب اصوات و آمادگی برای ساختن واژه فراوان شد که باعث ایجاد واژه‌های معنی دار محدودی گردید که همگی حاکی از آمادگی شدن برای تولید واژه‌های جدید بود. افزون بر نکات فوق در ماههای ۱۶، ۱۷ و ۱۸ ماهگی چهار آزمایش به ترتیب زیر بعمل آمد:

آزمایش اول

در اواسط ۱۶ ماهگی با بردن نام اعضای خانواده و یا اشاره به برخی از اشیاء، او عکس العمل نشان

می‌داد و به طرف شخص و یا شیئی مورد نظر نگاه می‌کرد و لبخند می‌زد ولی در مقابل نامهای غیر آشنا و اشیائی که نمی‌شناخت فقط به اطرافش نگاه می‌کرد که گویی به دنبال شخص یا شیئی نام برده شده می‌گشت.

آزمایش دوم

در اواخر ۱۶ ماهگی کودک با دیدن تصاویر اعضای خانواده به روش خودش برای آنها نام تولید می‌کرد ولی در مقابل تصاویر غریبه‌ها بدون هیچ عکس العملی کاملاً ساکت می‌ماند. آزمایش یک و دو هر دو بیانگر این واقعیت هستند که او ادراک نسبی از افراد و اشیاء محیط زندگی یافته است ولی فعلاً قادر به انتقال زبانی این ادراک نمی‌باشد.

آزمایش سوم

در اواخر هفده ماهگی بدون هیچ ایما و اشاره‌ای فقط با استفاده از الفاظ قادر به انجام کارهای محدودی بود مثلاً شیئی به او می‌دادند و به او گفته می‌شد: «این را ببر برای برادرت» او شیئی را مستقیماً برای برادرش می‌برد نه برای کس دیگری. بدین معنی که او هم برادرش را خوب می‌شناخت و هم عمل بردن را درک می‌کرد.

آزمایش چهارم

در اوایل ماه هیجدهم او در آوردن چیزهایی که نامشان را می‌دانست هزگز دچار تردید نمی‌شد یعنی هم اشیاء مورد نظر را می‌شناخت و هم عمل «آوردن» را بدون ایما و اشاره به خوبی درک می‌کرد. اگر نام شیئی مورد نظر را نمی‌دانست یا به اطرافش نگاه می‌کرد و یا به متقاضی خیره می‌شد. در هفته آخر مرحله دوم (حوالی ماه هیجدهم) با تولید واژه /نع/ برای /نه/ برای اولین بار عمل منفی سازی (Negation) آغاز شد گرچه در پاسخ مثبت یا منفی دادن اندکی با تردید برخورد می‌کرد ولی تقریباً همیشه از واژه /نع/ برای پاسخ منفی دادن استفاده می‌کرد. در آخرین روزهای مرحله دوم با حالتی تقریباً مردد برخی از اعضای بدنش را شناسایی کرد. از هشت قسمتی که شناسایی کرده بود واژه‌های: /ما/ برای «مو» - /با/ برای «پا» - /ذ/ برای «دست» و /دش/ برای «چشم» را تولید می‌نمود و در پاسخ به سؤال «دماغت» یا «گوشت» یا «دندان» یا «دهانت» کو؟ گوش و دماغش را می‌گرفت و روی لبهایش برای نشان دادن دندان و دهان انگشت می‌گذاشت. البته در هر هشت مورد در پاسخ سؤال فلان اعضای بدنت کو؟ عکس العمل‌های فوق را نشان می‌داد.

در همین مرحله (مرحله دوم) صدای حیواناتی از قبیل گربه، کلاغ، سگ، گنجشک و الاغ را در پاسخ سؤال فلان حیوان چی میگه؟ تولید می‌کرد. البته صدای تولید شده برای حیوانات ذکر شده به شیوه کاملاً کودکانه خودش تولید می‌شد.

دو نمودار جداگانه برای نشان دادن وضعیت آوایی واژه‌های تولید شده برای اعضاء بدن و صدای حیوانات برای این مرحله تهیه شد. مجموعاً حدود بیست و پنج واژه کاملاً معنی و مفهوم‌دار در سه ماه آخر مرحله دوم تولید شد.

۳ - دوره تولید چند واژه‌های اولیه: ۱۸ تا ۲۴ ماهگی

محققان این دوره را با نامهایی از قبیل: "مرحله بیان تلگرافی" "مرحله الگوهای اولیه گفتارها"، "مرحله گفتار گرامری اولیه" و "مرحله گفتار چند واژه‌ای آغازین" نیز معرفی کرده‌اند. در این مرحله از رشد زبانی، کودک واژه‌ها را به صورت الگوهای نظام یافته‌تری ارائه داد و بتدریج عبارات فعل و فاعل‌دار و بدون فعل، و فاعل (Clauses and phrases) را برای اولین بار به وضوح تولید نمود.

مرحله تولید چند واژه‌ایها را می‌توان مرحله ترکیب تک واژه‌ها نام نهاد که به تعبیر واضح‌تر دوره شکل‌گیری نحو در نظام زبانی کودک است. در حدود بیست ماهگی بطور محسوس تظاهرات خاص این دوره با شکل‌گیری نظام نحوی کودک مورد مطالعه و تولید ساختارهای جدید نمایان شد.

در آخرین ماههای این مرحله (۲۳ و ۲۴ ماهگی) کودک به تدریج به سمت تولید جملات و عبارات کاملتر پیش رفت و با توجه به افزایش حجم چشمگیر واژه‌های جدید و ترکیبات فراوان اصوات مجبور به تهیه ۶ خلاصه وضعیت، ۸ موارد و ۶ لیست واژه برای معرفی ۲۱۲ واژه کاملاً معنی‌دار جدید شدم که همگی معرف رشد درخور توجه "آوایی-واژگانی-نحوی" (Phonomorphosyntactic) از یک سو و گسترش شگرف دامنه شناخت کودک از سوی دیگر است.

اگر مرحله پیشین (مرحله دوم رشد زبانی کودک: ۱۲ تا ۱۸ ماهگی) که فقط تکواژه‌ها تولید می‌شد به اعتقاد بسیاری از محققان علم زبان‌شناسی مرحله غیرنحوی یا فاقد نحو (asyntactic) نام گرفته است، این مرحله از رشد زبانی که گفتار به شیوه تلگرافی ظهور می‌نماید به مرحله نحوی (syntactic) شهرت یافته است.

کودکان در این مرحله از رشد زبانی برخی از واژه‌های پرتواتر و پرکاربرد را بعنوان واژه‌های محوری (Pivot words) انتخاب می‌کنند و سپس آنها را با بسیاری از واژه‌هایی که قبلاً تولید کرده‌اند همراه می‌نمایند و با تکرار پیاپی آنها به گونه‌ای به رشد زبانی خود کمک می‌کنند. واژه‌هایی که با واژه‌های محوری همراه می‌شوند را اصطلاحاً واژه‌های "طبقه باز" (open class) یا واژه‌های "طبقه دوم" (second class) نامیده‌اند.

در حدود ۲۰ ماهگی کودک مورد مطالعه واژه /آما/ برای «آمد» را بعنوان واژه محوری خود با تعداد زیادی از واژه‌هایی که قبلاً تولید کرده بود همراه نمود و به تکرار آنها پرداخت: /بابا آما/ - /دادا آما/ - /ماما آما/ - /پیشی آما/ و الی آخر

با تکرار این قبیل ترکیبات، کودک از یک سو واژه‌های پرتواتر را محور قرار می‌دهد و از سوی دیگر واژه‌های از قبل آموخته خود را بعنوان واژه‌های طبقه باز به کار می‌گیرد و در نهایت در تکامل نظام نحوی بانس پیشرفت کرده و آماده تولید ساختارهای پیشرفته‌تر می‌شود.

در اواخر ماه بیستم "واژه‌کاستی" (Reduction) که از علائم بارز این مرحله از رشد است در او پدیدار گشت. او واژه‌کاسته شده /ما/ را برای چهار واژه "ماهی"، "ماه"، "ماشین" و "مو" بکار گرفت. سه واژه اول با/ما/ شروع می‌شوند و چهارمین واژه همخوان /م/ را در آغاز دارد. او واژه "مو" را بعد از مدتی، خوبی تولید نمود ولی سه واژه قبل آن را تا حدود یک ماه بعد بتدریج اصلاح نمود. در واقع "مو" از کوتاهترین آرایش هجایی (CV) برخوردار است بهمین دلیل تلفظ صحیح آن زودتر انجام گرفت و واژه /ما/ دارای آرایش هجایی (CVC) می‌باشد که نسبت به واژه "مو" (CV) یک همخوان بیشتر دارد. واژه‌های "ماهی" و "ماشین" هم دارای آرایش هجایی (CVCV) و (CVCVC) هستند که دارای همخوانی و آگه‌های بیشتری می‌باشند بهمین دلیل تصحیح آنها به زمان بیشتری نیاز داشته است. شاید آرایش هجایی بر در علت تأخیر در تصحیح سه واژه "ماه" و "ماهی" و "ماشین" در مقایسه با "مو" توجیه کننده باشد:

| | | | | |
|------|---------|---------|----|-------|
| /mu/ | "CV" | — | مو | |
| /ma/ | /mah/ | "CVC" | — | ماه |
| /ma/ | /mahi/ | "CVCV" | — | ماهی |
| | /mašin/ | "CVCVC" | — | ماشین |

نکته بسیار مهمی که می‌بایستی زودتر از اینها به آن اشاره می‌شد فرق بین ادراک و شناخت کودک در کلیه مراحل رشد زبانی نسبت به قدرت تولید اوست. او در همه مراحل رشد زبانی همواره از قدرت شناخت و ادراکی به مراتب بیشتر و پیش‌تر از توان تولیدش برخوردار بود.

در این مرحله از رشد نوعی تعمیم دادن (Generalization) در کودک پدیدار شد. او واژه /آگا/ (آقا) را برای مردها، و واژه /دادا/ (داداش) را برای نوجوانان و نام آوای /مو/ (صدای گاو) را برای حیوانات بزرگ اندام مثل فیل، اسب، گاو و شتر به کار می‌برد.

در اوایل ۲۱ ماهگی به تدریج آثار «خود اصلاحی» (Self-correction) و «خودگسترشی» (Self-expansion) در او ظاهر شد. در واقع او دریافته بود که بزرگسالان به «مو» /ما/ نمی‌گویند لذا موی سرش را می‌کشید و چند بار می‌گفت «مو» و این در حالی بود که صوت تولید شده‌ای که به صورت واژه کاستی در واژه کاسته شده /ما/ شکل گرفته بود کماکان برای واژه‌های «ماه»، «ماهی» و «ماشین» به همان حالت قبلی باقی مانده بود.

همزمان با تکرار ترکیبهای ساختنی به گسترش رشد زبانی خود ادامه می‌داد. مثلاً بدون اینکه کسی از او

خواسته باشد و یا زمینه‌ای فراهم شده باشد در طول روز با خود می‌گفت: /بابا باباَد / برای «بابارفت» - /ماماماَد/ برای «مامان رفت» /دادادادا د/ برای «داداش رفت» و همین تمرین را با تمامی اسمهایی که بیاد داشت ادامه می‌داد.

همزمان با رشد زبانی، تولید برخی از عبارات جدید نشان بارزی از گسترش دامنه شناخت او بود. در حالی که واژه محوری /بیا/ را برای پدر، مادر، برادر و سایر اعضاء خانواده در تمرین «خودگسترشی» به کار می‌برد هنگامی که به واژه /پیشی/ رسید بلافاصله واژه /بیا/ به /نیا/ تبدیل شد و با تولید عبارت /پیشی، پیشی، پیشی نیا/ نفرت و یا احتمالاً ترس خود را از گربه نشان داد. در اواسط ۲۱ ماهگی واژه‌هایی از قبیل بالا، پایین، بیشتر، دوباره، به، این، بعضی از، چه و هنوز، با تلفظ کودکانه خودش در گفتار او ظاهر شد.

قاعده جمع بستن (Pluralization)

در اواخر ۲۱ ماهگی آثار جمع بستن واژه‌ها در گفتار او پدیدار شد. او با اضافه کردن /آ/ به آخر برخی از واژه‌ها آنها را از حالت مفرد به جمع تبدیل می‌نمود مثال: /نوؤنوؤ / ← /نوؤنوؤآ / - /ب ب ب ثی / ← /ب ب ب ثی آ / و بهمین ترتیب چند واژه دیگر را از مفرد به جمع تبدیل نمود.

در اوایل ۲۲ ماهگی برای اولین بار صامت در نسوی غیرانفجاری لثوی / دندانی = (نچ) [ک] را به معنی «نه» تولید کرد. نکته مهم این بود که او کاربرد منفی این صامت را که جایگزین تکواژه /نه/ می‌شود به خوبی تشخیص داده بود و به موقع مورد استفاده قرار می‌داد.

در اواخر ۲۲ ماهگی به راحتی قادر به تولید جملات امری و نهی بود که نمونه‌هایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* ۱ - /بادنستن / برای «باد نزن» = نهی

* ۲ - /پیشی بیاکایت ندایم / برای «پیشی بیا کارت ندارم» = امری

* ۳ - /پتوی - دستم پتوی / برای «پشور، دستمو پشور» = امری

* ۴ - /بیا پیشم / برای «بیا پیشم» = امری

* (علامت «-» در بالای /ش/ او یا /س/ نشانه پسین شدن کامل آوا می‌باشد)

حدود ۲۳ ماهگی صامت آغازین /خ/ را بدون استثناء در تمامی واژه‌ها /ه/ و در موضع میانی و پایانی

/ش/ تلفظ می‌کند. (= نشانگر پسین شده کامل)

مثال: /هایبده/ برای خوابیده

/پتوی / برای بخور

/پش / برای بیخ

نکته بسیار مهم این است که در این مرحله از رشد زبانی در حالی که او با صامت /خ/ در هر سه موضع آغازین، میانی و پایانی با مشکل روبرو بود، سرعت واژه‌های جدید را تولید می‌کرد و با ترکیب آنها توان

گفتاری خود را قوت می‌بخشید و سایر همخوانها را به راحتی و وضوح بیشتری تولید می‌کرد. نهایتاً می‌توان گفت که در این مرحله کودک در همه زمینه‌های «آوایی - واژگانی - نحوی» همراه با شناخت و ادراک قوی‌تری پیش می‌رود.

شخصیت سازی (Animation)

در حدود ۲۱ تا ۲۳ ماهگی رشد، شناخت کودک از رابطه بین موجودات و نامهایی که بر آنها نهاده شده است قدرت بیشتری پیدا می‌کند. او در این مرحله دریافته بود که تمام موجودات محیط زندگی از اسامی خاص خودشان برخوردارند و این نامها برای شناسایی آنها بکار گرفته می‌شود. اما قطعاً از محدودیتهایی ویژه این اسم‌گذاری آگاه نبود. چنین می‌پنداشت که هر موجودی از همان خصیصه‌هایی برخوردار است که خود او برخوردار بود. مثال زیر در اثبات این یافته تحقیقی است: در اواسط ۲۳ ماهگی یک روز او در کنار قفس جوجه‌ای نشسته بود و با او صحبت می‌کرد:

- / ای تَت چه؟ بَب بوشه؟ / برای «است چه؟ فرنوشه؟»

- / ای تَس بابات چه؟ متویه؟ / برای «اسم بابات چه؟ منصوره؟»

- / ای تَس دادات چه؟ شیده؟ / برای «اسم داداشت چه؟ فرید؟»

متأسفانه در این لحظه برادرش او را به داخل اتاق صدا زد و مکالمه‌اش ناتمام ماند. اما همین سه جمله تحلیل روشنی از ذهن او را نسبت به شخصیت‌سازی از دنیای اطرافش را نشان می‌دهد. او می‌پندارد که هر موجودی اسمی دارد که مانند اسم خود اوست و آن موجود پدر و برادری دارد که هم اسم پدر و برادر اوست و احتمالاً می‌پندارد که او هم مانند خودش همه چیزهایی را دارد که هم اسم همه متعلقات اوست! حدود ۲۴ ماهگی (آخرین ماه مرحله سوم) بتدریج همخوان /خ/ در موضع آغازین که قبلاً /ه/ تلفظ می‌شد به گونه‌ای /خ/ تکامل یافته (علامت ۰ در زیر اصوات آنها را پیشین می‌کند) این در حالی است که همین همخوان /خ/ در مواضع میانی و پایانی همان /تس/ (کاملاً پسین شده) سابق بدون تغییر باقی مانده بود. در آخرین ماه مرحله سوم (۲۴ ماهگی) او به کرات از صفات و ضمائر ملکی و ضمائر فاعلی به صورت من - کتاب من - مال من و غیره استفاده می‌کرد و در پایان این مرحله شش لیست واژه برای ۲۱۲ واژه و واژه ترکیب جدید تهیه شد که در یک ستون تلفظ تولیدات او و در ستون دیگر معادل آنها به زبان بزرگسالان آوانویسی شده است.

۴ - دوره تولید (و ترکیب) چند واژه‌ای پیشرفته‌تر: ۲۲ تا ۳۰ ماهگی

در این مرحله از رشد زبانی، تقریباً همه ترکیبات تولید شده رشدی «واژگانی - نحوی» (morphosyntatic) از خود نشان می‌دهند که همگی حاکی از ایجاد و شکل‌گیری تکامل یافته‌تر یافته‌های زبانی کودک است که اکنون در چارچوبی قانونمندتر و نظامی‌تر جلوه می‌کند. در مرحله قبلی فقط

معدودی از این ترکیبات معرف چنین خصیصه‌ای بودند.

کودک مورد مطالعه ظرف دو ساعت هشت جمله کاملاً صحیح البته با تلفظ مخصوص به خودش تولید کرد. در تولید این واژه ترکیبهای جدید او بسیار سعی داشت ثابت کند که قادر است صامت آغازین /خ/ را که تاکنون /ه/ تلفظ می‌کرد به /خ/ تبدیل نماید. در طول روز چندین بار تکرار می‌کرد /ه-نه/ /خ/ /-ه/ /خ/. تولید روزانه‌اش از چنان گستردگی برخوردار شد که یادداشت برداری از تمامی آنها عملاً غیرممکن می‌نمود. ظرف دو ساعت جملات کاملی تولید نمود که از کلیه قواعد زبانی برخوردار بود جملاتی از قبیل «خوشگل شدم» (پس از شانه کردن موهایش)؛ «ببخشید»؛ «داداش خوابیده» - «بابا منو ببر» «چی پوشیدی؟ زاکته؟» و «عمو، بابات کو؟» و...

همه این جملات در حالی تولید شدند که او کاملاً تنها بود و کسی هم از او نخواستہ بود که صحبتی داشته باشد. همزمان با تولید جملات جدید ترکیبات منفی بیشتری نیز تولید شد.

در این مرحله اتفاق مهمی رخ داد که احتمالاً می‌توان آن را در چهارچوب اصل تعمیم توجیه نمود. همانطور که قبلاً گفته شد او از /ه/ برای /خ/ آغازین استفاده می‌کرد، مثلاً به جای «خونه» می‌گفت «هونه» و اکنون که /خ/ و در مواردی /خ/ را تولید می‌کند، واژه‌هایی را که قبلاً با همخوان /ه/ در موضع آغازین تولید می‌کرد به تلفظ /خ/ تبدیل نمود.

و بدین ترتیب «هال» تبدیل شد به /خال/ - «حیاط» به /خیاط/ - «همه» به /خمه/ و چند واژه دیگر به همین صورت تغییر تلفظ دادند. او به تصور خودش احساس می‌کرد که قبلاً که این واژه‌ها را با /ه/ یعنی صدای واقمیشان تلفظ می‌کرده است اشتباه کرده و اکنون که او تولید /خ/ در موضع آغازین را اکتساب نموده است گمان می‌کند واژه‌هایی که واقعاً با /ه/ آغاز می‌شدند نیاز به تصحیح دارند و او با انجام دادن یک «خوداصلاحی» (self-correction) آنها را تغییر داده و صوت تازه یافته /خ/ را به موضع آغازین کلماتی که با /ه/ شروع می‌شدند تعمیم داد.

البته این وضعیت بیش از ده الی دوازده روز ادامه نیافت و کودک با کشف واقعیت، واژه‌ها را با استفاده از یک «خوداصلاحی» دیگر تصحیح نمود.

خودآگاهی ذهنی (Psychological awareness)

در مطالعات خود دریافته بودم که کودکان از نظر ذهنی به خطاهای خود واقفند، از کودکی پرسیدند:

است چیست؟

او با تلفظ کودکانه‌اش گفت: «آلیش»

- اسم شما آلیش است؟ او گفت «نه خیر، آلیش است.»

- آها، پس اسم شما آلیش است.

کودک با عصبانیت می‌گوید: «نه آلیش است.»

- متوجه شدم اسم شما آلیس است.

کودک شادمانه می‌خندد و می‌گوید: «بله، بله آلیس است!»

اگر چه او خودش کلمه آلیس را آلیش تلفظ می‌کند ولی تا تلفظ صحیح را از سؤال کننده دریافت نمی‌کند سخن او را تایید نمی‌نماید ولی در تایید باز هم تلفظ نادرست خودش یعنی آلیش را دارد. مکالمه زیر مسئله خود آگاهی ذهنی کودک مورد مطالعه را ثابت می‌کند: به منظور جلوگیری از خروج نور از اتاق مطالعه بداخل پذیرایی، کتیبه بالای در اتاق را با پلاستیک سیاهی پوشانیده بودم که او متوجه حضور من در اتاق مطالعه نشود. یک روز در اتاق بطور اتفاقی بازمانده بود و او وارد اتاق شد. از اینکه من را در اتاق می‌دید کمی تعجب کرد. ابتدا به اطرافش نگاهی کرد. همینکه چشمش به پلاستیک سیاه روی کتیبه در افتاد از من پرسید:

- /بابا، شته؟ / من متوجه منظورش نشدم - به او گفتم: سرده؟

- /نه، شته؟ / باز هم متوجه منظورش نشدم. به او گفتم: چسبیده؟

- /نه، نه شته؟ / این بار هم متوجه منظورش نشدم. به او گفتم: چسبه؟

مرتبہ چهارم در حالیکه برافروخته شده بود با عصبانیت و با صدای بلند گفت:

- /نه، نه، شته؟ / و من ناگهان منظورش را دریانتم. به او گفتم: چتره؟ و این بار در حالیکه برق شادی در

چشمانش می‌درخشید شاد و خندان گفت،

- /آیه، آیه، شته؟ / یعنی «آره، آره، چتره؟»

او سؤال خودش را در مورد چتر سه بار تکرار کرد. از نظر ذهنی تلفظ واژه چتر را خوب می‌دانست لذا تا تلفظ درستی را که در ذهن داشت از مخاطبش شنید خوشحال شد و مطلب را فوراً تایید نمود گرچه نهایتاً تلفظ نادرست خودش را ارائه داد. صرفنظر از این مسئله که او از نظر ادراکی به تلفظ صحیح واژه واقف است، تجسم چتر سیاه و رنگ سیاه آن پلاستیک و چنین مقایسه‌ای از نظر شناخت ذهنی کودک قابل ذکر و درخور توجه است و این در حالی است که او تا این مرحله از رشد هنوز رنگها را نمی‌شناسد ولی قادر است اسم هر رنگی را به راحتی بگوید و یا بعد از گوینده تکرار کند و اکنون که کل تحقیق ۲۷ ماهه خاتمه یافته است به یاد دارم که تا سن ۳۴ ماهگی هم قادر به تشخیص رنگها نبود.

در ۳۳ ماهگی به طرز کاملاً محسوس و چشمگیری بنیه واژگانی او نسبت به مرحله قبل به مراتب بیشتر شد. او نه تنها ترکیب واژه‌ها را به راحتی انجام می‌داد که واژه‌های تولید شده قبلی و هرآنچه جدید تولید می‌کرد را روان‌تر و نزدیکتر به تلفظ بزرگسالان ارائه می‌نمود.

در اثبات پیشرفت ادراکی - شناختی او مثالها فراوان‌تر شد یکی از مهمترین نمونه آنها به شرح زیر

است:

یک روز صبح او از خواب بیدار شد و بدون مقدمه گفت: /مامان، تو مامان منی، من دُشِی تویم /

صرفنظر از تلفظ کودگانه، بجز واژه دختر که / دُشِی / تلفظ شد، سایر واژه‌ها شبیه تلفظ بزرگسالان ادا شد که

پیشرفت آوایی او را نشان می‌دهد و مهمتر از آن تحول شناختی کودک است؛ او هرگز در محیط زندگی از کسی نشنیده بود که به دیگری بگوید: «مامان، تومامان منی، من دختر توام!» قطعاً کسی هم چنین مطلبی را به او آموزش نداده بود و حال ملاحظه شد که او چگونه به مدد ذهنیت رشد یافته‌اش در اثبات رشد زبانی خود چنین مطلبی را بیان نمود. در اواخر مرحله چهارم، رشد ذهنی - زبانی او از این حد هم فراتر رفت؛ کودک در داخل اتاقش نشسته بود، من از داخل هال صدا زدم:

«فرونش، چه کار می‌کنی؟» او پاسخ داد:

«دایم سپک می‌کنیم / یعنی «دارم فکر می‌کنم». شگفت‌زده پرسیدم:

«به چی فکر میکنی؟!» اندکی درنگ کرد و گفت:

«نمی‌دویم / یعنی «نمی‌دونم» .

آیا او واقعاً فکر می‌کرد؟ منظورش از فکر کردن چه بود؟ واقعاً نمی‌دانست به چه فکر می‌کند؟ می‌دانست که نمی‌دانست به چه فکر می‌کند؟ اصلاً معنی عبارت «فکر می‌کنم» را می‌دانست؟ و

و من هم تا به امروز واقعاً نمی‌دانم که در ذهن بزرگ آن کودک کوچک چه می‌گذشت!

در مرحله چهارم (۲۴ تا ۳۰ ماهگی) رشد زبانی، ادراکی و شناختی کودک در مقایسه با سه مرحله قبل از چنان سرعت و حجمی برخوردار شد که ضبط همه وقایع جدید عملاً غیرممکن می‌نمود و بناچار در پایان این مرحله ۶ خلاصه وضعیت تهیه شد تا شاید بتوان اهم رخدادهای هر ماه را در انتهای همان ماه به صوت خلاصه ارائه نمود. علاوه بر آن بالغ بر ۵۵۲ واژه و واژه ترکیب جدید این مرحله در ۴۳ صفحه و در ۶ لیست جداگانه، یک لیست چند صفحه‌ای برای هر ماه، گردآوری شد.

۵ - دوره تولید ترکیبات اولیه مشابه بزرگسالان: ۳۰ تا ۳۳ ماهگی

این مرحله از رشد زبانی را دوره «مقوله‌های دستوری» هم نامیده‌اند، چراکه تولیدات زبانی بسرعت به سوی تکامل نسبی جمله‌ها پیش می‌رود.

جمله‌های پیشرفته‌ای که در این مرحله تولید شد عمدتاً شامل رشد در دو مقوله واژگان و نحو بود. از نظر آوایی اصوات تولید شده قبلی بسیار روان‌تر و از جنبه نحوی، جملات تولید شده به نحو بزرگسالان شبیه‌تر شد. درک معانی و شناخت کودک هم در مقایسه با مراحل قبلی از پیشرفت چشمگیری برخوردار شد. در مجموع پیشرفت در همه زمینه‌های زبانی و ادراکی شناختی چنان گسترده بود که یادداشت برداری از حتی ۵۰ درصد آنها غیرممکن شد. مثال زیر احتمالاً بتواند بر نکات فوق صحه گذارد:

یک روز صبح بطور کاملاً اتفاقی دست کودک به چشم من اصابت کرد. من اظهار ناراحتی کردم و به دنبال آن مطالب زیر بسرعت از سوی کودک بیان شد:

«دئی دت اوند، پیتیمت بیماستان / سپس به مادرش رو کرد و گفت: / مامان، چیش بابا دئی داومد پیتیش

بیماستان / سپس به طرف من برگشت و گفت: / چی شد؟ فیدما می پیتیمت بیماستان: / نکات مهمی در توضیح

جملات فوق قابل ذکر است:

- ۱ - همه جملات کامل و از نظر نحوی قابل قبول و بدون نقص هستند.
 - ۲ - از نظر آوایی بجز صامت /ر/ که /ی/ تلفظ شد بقیه صداها صرفنظر آهنگ کودکانه طفل، به مانند جملات بزرگسالان تولید شد.
 - ۳ - صرف افعال کاملاً منطقی و بجا و مطابق با مخاطب مورد نظر است. مثلاً به مخاطب می‌گوید: «دردت آمد؟» به مادرش گزارش می‌دهد: «مامان، چشم بابا درد آمد». از یکسوی می‌گوید: «می‌برمت بیمارستان» و از سوی دیگر درخواست می‌کند: «مامان، ببرش بیمارستان».
- در عین حال هم به معنی درد شناخت پیدا کرده است و هم بیمارستان را بعنوان محل درمان می‌شناسد و هم درک می‌کند که باید شخص آسیب دیده را به چنین محلی برد نه جایی دیگر.
- متأسفانه حالات ویژه بیان این مطالب را که منعکس کننده بخشی از احساسات و ذهنیت اوست نمی‌توان به درستی مجسم کرد.

در واقع توازن و هماهنگی بین اعمال و افکار کودک در این مرحله از رشد ذهنی - زبانی درخور توجه است. خلاقیت ذهنی کودک در کنار او همگام با خلاقیت زبانی (Language Productivity) طفل به حدی رسیده است که در پاسخ به یک سؤال ساده: «مرا دوستداری؟» چندین جمله زیر را پاسخ می‌دهد:

/تویو دوس دایم، مامان دوس دایم، دادا دوس دایم، بابا دوس دایم، همه دوس دایم/ بطوریکه ملاحظه می‌شود در بخش مربوط به رشد آوایی این جملات هنوز بجای /ر/ از /ی/ استفاده می‌شود. با بکارگرفتن یک مدل نحوی مطالب مورد نظرش را به همه تممیم می‌دهد. از نقطه نظر معنایی (semantically) هم به گفته‌های خود کاملاً واقف است؛ زیرا هنگامی که ادامه مطلب می‌دهد به کلمات گربه و روباه که می‌رسد، مطلب را تغییر داده و می‌گوید: /پیشی دوس ندایم، آقاییو با دوس ندایم/.

مرحله پنجم (۳۰ تا ۳۴ ماهگی) شامل ۴ خلاصه وضعیت مفصل، هر خلاصه وضعیت برای یک ماه رشد و یک لیست طولانی ۲۷ صفحه‌ای برای حدود ۳۴۱ واژه و واژه ترکیب جدید بود.

شایان ذکر است که مرحله پنجم فقط شامل چهار ماه تحقیق و بررسی بود. اگر دوماه دیگر یعنی تا ۳۶ ماهگی کار ادامه می‌یافت قطعاً مطالب جدیدی اضافه می‌شد و واژه‌ها و واژه ترکیبهای بیشتری در لیست ۲۷ صفحه‌ای این مرحله گنجانده می‌شد.

نتیجه‌گیری:

بسیارند روان‌شناسان و زبان‌شناسانی که به مطالعه نحوه اکتساب زبان مادری علاقه فراوان دارند. این محققان در پی آنند که دریابند یک کودک چگونه زبان مادریش را اکتساب می‌کند و مایلند راه‌های گوناگون این اکتساب را مورد بررسی و مطالعه قرار بدهند. آنها می‌کوشند با مطالعه اکتساب زبان مادری آگاهی و درایت بیشتری نسبت به ماهیت خود زبان به دست آورند و در این اندیشه هستند که نه فقط برون و ظاهر

زبان را بررسی نمایند که قصد بررسی درون و ماهیت زبان هم هست.
(Not only the E-Language, but also the I-Language)

در تحقیق حاضر مراحل رشد زبانی یک کودک فارسی زبان مورد بررسی قرار گرفته است و آن هم به مدت ۲۷ ماه یعنی از ۷ الی ۳۴ ماهگی که از تولید زبانی او مرحله به مرحله یادداشت برداری شد و برای اطمینان از صحت کار و نیز یافتن امکان کنترل مجدد، بسیاری از این تولیدات در چهار کاست ۶۰ دقیقه‌ای ضبط شد و در تجزیه و تحلیل اطلاعات، ارتباط بین اصوات و معنی دار شدن آنها گزارش شد و از این طریق رشد آوایی، واژگانی و نحوی کودک در مراحل مختلف رشد زبانی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

کودک مورد تحقیق از قدرت اکتساب زبان (Language Capacity) در حد طبیعی برخوردار بود. او با دریافت مداوم داده‌ها و با کشف و دریافت اصول و قواعد زبانی هر آنچه را که پیاپی شنید بتدریج و به شیوه خودش به صورت زبان مادری ابراز نمود و بتدریج آگاهی و وقوف بیشتری به گفته‌های خود پیدا کرد. اما حقیقتاً موضوع به این سادگی و روشنی هم نمی‌تواند باشد.

آنگاه که محقق تلاش می‌کند به یافته‌های زبانی کودک دسترسی پیدا کند، به وضوح درمی‌یابد که با مشکل بسیار پیچیده‌ای مواجه است، چرا که مسئله مورد تحقیق ماهیتاً از وجوه علمی گوناگونی برخوردار است. مسئله اینجاست که کودک زبان مادری را بطور ناخودآگاه اکتساب می‌کند بدون اینکه هیچگونه آموزش مستقیمی دریافت نماید و همین امر موضوع را پیچیده‌تر و درک آن را بمراتب دشوارتر می‌نماید. صرفاً با دقت در گفتار کودک نمی‌توان ماهیت اصلی زبانی را که او از محیط زندگی اکتساب می‌کند کشف نمود. در مطالعه طولی مراحل رشد زبانی همواره مشهود است که ادراک و شناخت او از مسائل و رخدادهای محیط زندگی بیش از آنی است که قدرت بیان آنها را داشته باشد، به بیان دیگر درک او همواره بیشتر و پیش‌تر از آنی است که در تولیدات زبانش ظهور می‌کند.

کودک مورد تحقیق مراحل پنج‌گانه ترسیم شده را صرفنظر از مواردی که هم‌پوشی آنها انکار ناپذیر است به صورت زمان‌بندی شده زیر طی نمود:

مرحله اول: دوره پیش زبانی به مدت ۵ ماه - همراه با تولید همخوانها و واژه‌های زیاد. واژه قابل ملاحظه‌ای در این مرحله تولید نشد.

مرحله دوم: دوره تولید تک واژه به مدت ۶ ماه - همراه با تولید همخوان و واژه که البته از تعداد آنها کاسته شد. حدود ۲۵ واژه در این مرحله تولید شد.

مرحله سوم: دوره تولید چند واژه‌ای اولیه به مدت ۶ ماه - تولید همخوانها بسیار کاهش یافت و هیچ واژه جدیدی تولید نشد. در این مرحله حدود ۲۱۲ واژه جدید تولید گردید.

مرحله چهارم: دوره تولید چند واژه‌ای پیشرفته‌تر به مدت ۶ ماه - تولید همخوانها باز هم محدودتر شد ولی هیچ واژه جدیدی تولید نگردید. در این مرحله حدود ۵۵۲ واژه و واژه ترکیب جدید تولید شد. البته واضح‌تر شدن همخوانها و واژه‌های از قبل تولید شده کاملاً محسوس بود و برخی از همخوانها که قبلاً به شکل

دیگری تلفظ می‌شدند در این مرحله به اشکال واقعی‌تر خود از نظر تلفظی نزدیکتر شدند.

مرحله پنجم: دوره تولید ترکیبات اولیه مشابه بزرگسالان به مدت ۴ ماه - در این مرحله هیچ واژه و یا همخوان جدیدی تولید نشد فقط تعدادی از همخوانها به تلفظ بزرگسالان نزدیکتر شد. حدود ۳۴۱ واژه و واژه ترکیب جدید تولید شد که نسبت به واژه‌های مراحل قبل روان‌تر و واضح‌تر تلفظ می‌شدند و کودک بسیاری از تلفظهای مراحل قبل را هم با تلفظی نزدیک به تلفظ بزرگسالان تولید نمود.

در مجموع تا ۳۴ ماهگی حدود ۱۱۲۵ واژه و واژه ترکیب معرف جایگاه واژگانی کودک مورد تحقیق بود و نیز انبوه عظیمی از مطالب قابل بحث و بررسی که فقط بخش ناچیزی از آن در اینجا مطرح گردید.

کاربرد:

نتایج حاصله از تحقیقات گوناگون پیرامون اکتساب زبان مادری (زبان اول) در سطح گسترده‌ای از سوی مدرسان، زبان‌شناسان، روان‌شناسان زبان، جامعه‌شناسان زبان، روان‌شناسان، گفتار درمانان، روان‌کاوان، پزشکان و تمامی کسانی که با رشد زبان مادری کودک در محیط زندگی سروکار دارند مورد بررسی قرار می‌گیرد تا دریابند روند این رشد طبیعی است یا خیر و آیا می‌توان با در نظر گرفتن روند اکتساب زبان اول در شیوه‌های تدریس زبان دوم تغییراتی اساسی و موثر ایجاد کرد؟ و ...

ولی بسیاری از محققان امور آموزشی در تلاشند نتایج حاصله از این بررسی‌ها و مطالعات را در امر آموزش زبان بیگانه مورد استفاده قرار دهند. آنها بر این اعتقادند که کودک زبان مادری را به شیوه‌ای طبیعی و روندی کاملاً عادی در محیط زندگی خود کسب می‌نماید به بیان دیگر کودک در معرض زبان مادری قرار می‌گیرد و به تدریج دریافتی‌های خود را با استفاده از توانش زبانش به کار می‌گیرد و در نهایت زبان اول را اکتساب می‌کند، پس بنظر می‌آید که هر اندازه محیط را برای آموختن یک زبان بیگانه به محیط زندگی اکتساب‌کننده زبان اول شبیه‌تر کنیم و هر اندازه حجم دریافتی‌های یک زبان بیگانه را برای زبان آموز زیادتر نمایم، به شکل طبیعی و عادی زبان آموزی نزدیک‌تر شده‌ایم و امر زبان آموزی سهل‌تر شده است.

در نتیجه قصد اصلی محققان امور آموزشی این است که در مورد بهترین شیوه‌های یادگیری زبان بیگانه ارائه طریق نمایند و در همین جاست که فرق میان «اكتساب زبان» و «یادگیری زبان» مطرح می‌شود. در امر اکتساب زبان رشد تدریجی مرحله به مرحله و ناخودآگاه زبان مورد نظر است در حالی که یادگیری کاملاً آگاهانه و در فضای کلاس درس و یا موقعیتی مشابه کلاس درس انجام می‌گیرد. در حقیقت روند آگاهانه فراگیری دانش قواعد دستوری، جمله‌سازی و تقویت بنیه واژگانی در آموزش آگاهانه یک زبان کاملاً مشهود است.

پس از انجام دادن چنین مقایسه‌ای و با در نظر گرفتن هر دو صورت قضیه این نتیجه به دست می‌آید که هر اندازه سعی شود شرایط یادگیری یک زبان بیگانه طبیعی‌تر باشد، یعنی اقداماتی مشابه آنچه در اکتساب زبان مادری صورت می‌پذیرد بعمل آید، یادگیری آن زبان بیگانه با سهولت و موفقیت بیشتری انجام خواهد گرفت.

پیشنهادات:

تاکنون تحقیقات بسیاری پیرامون اکتساب زبان‌های زنده دنیا از جمله انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیولی، عربی، ژاپنی، عبری، چینی، لهستانی، رومانیایی، ترکی، کالولی، سوماتی و چند زبان دیگر انجام گرفته است و چون مطالعه جهانی - زبانی (Crosslinguistic study) به صورت مقایسه‌ای مورد نظر بوده است همه تحقیقات یا به زبان انگلیسی انجام شده و یا به انگلیسی برگردانده شده است تا در سطح گسترده‌تری که شاید بتوان آن را بین‌المللی نامید مطرح شود.

یکی از منابع معتبر کتاب دو جلدی «مطالعه جهانی اکتساب زبان»

(The Crosslinguistic Study of Language Acquisition) چاپ (۱۹۸۵) است که معرف تحقیقات گسترده‌ای می‌باشد که مراحل اکتساب زبان چندین زبان دنیا در آن جمع‌آوری شده است بجز زبان فارسی. این کتاب توسط ۱۶ تن از محققان زبان‌شناس به سردبیری دکتر دی. آی. اسلوبین (D.I.Slobin) که خود در زمینه زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان تحقیقات فراوانی انجام داده است تألیف شده است. تا آنجا که به این تحقیق و تاریخ انجام آن مربوط می‌شود تاکنون در مورد اکتساب زبان فارسی کاری همه جانبه و اساسی انجام نگرفته است و اگر هم در سطحی محدود کاری صورت گرفته است در سطح جهانی مطرح نشده است، لذا ضرورت انجام دادن چنین تحقیقی، محقق را برآن داشت که تحقیق را کلاً به زبان انگلیسی انجام دهد.

جای تردید نیست که تحقیق حاضر دارای کاستی‌هایی است و این امر نه فقط به دلیل مشکلات موجود بر سر راه هر تحقیقی است که به دلیل گستردگی و عظمت بسیار موضوع اکتساب زبان مادری است و از طرفی در اختیار نداشتن هیچ منبعی به زبان فارسی کار را دشوارتر نمود. برای تجسم عظمت موضوع در اینجا مایلم نظر تان را به خبری که چند سال قبل از رادیو پخش شد جلب نمایم.

متن خبر: «دانشمندان آمریکائی اخیراً در فلیپین بر قدرت‌ترین تلکسکوپ جهان را به منظور رصد ستارگان و انجام بررسی‌های نجومی نصب کرده‌اند و اکنون قادرند چندین برابر گذشته دامنه مشاهدات خود را در اعماق کهکشان‌ها گسترش بدهند. آنها معتقدند که هنوز نمی‌توان حد و مرزی برای کل جهان متصور شد، هر چه بیشتر و عمیق‌تر بررسی بعمل آورند به هیچ انتهای نمی‌رسند. اگر در میدان‌هایی دید این تلکسکوپ دایره‌ای فرض کنیم، به دوازده بیلیون سال نوری زمان نیاز است تا بتوان قطر چنین دایره‌ای را طی کرد.» به دنبال همین خبر آمده است: «و محققان علم زبان‌شناسی ادعا کرده‌اند که پیچیدگیهای اکتساب زبان مادری از این مسئله عظیم‌تر است.»

در تایید اهمیت این مطلب و برای حسن ختام بسیار علاقه‌مندم به چهار آیه اول سوره مبارکه الرحمن اشاره کنم که رب سبحان می‌فرماید:

«آن یگانه بخشنده‌ها جز به همه، آن که همه را آفرید، آن که همه را زنده کرد، آن که همه را مرده کرد»

او علم بیان آموخت» و در اینجا است که قادر رحمان اهمیت «بیان» نه نطق و نه لسان را کمتر از اهمیت خلقت خود انسان با تمام پیچیدگیها و عظمتش نمی‌داند، چرا که پس از بیان خلق الانسان، علمه البیان را مطرح فرموده است.

امید است با توجه به عظمت و گستردگی موضوع در آینده یک هیئت تحقیقاتی با استفاده از تجهیزات لازم بویژه نوارهای ویدیویی که می‌تواند در تجسم حالات مختلف کودک بهنگام تولید جنبه‌های گوناگون زبان کمک موثری بنماید به انجام دادن چنین مطالعه و بررسی بزرگی یعنی اکتساب زبان فارسی همت بگمارند و در زمینه‌های تخصصی‌تر مسئله را به طور مبسوط مورد بحث و بررسی دقیق قرار دهند چرا که حتی مقایسه گسترش و رشد بنیهٔ واژگانی کودک بین هر دو ماه متوالی و یا غیرمتوالی می‌تواند موضوع یک رسالهٔ دکتری باشد چه رسد به تحقیق و تفحص در سایر زمینه‌ها.

یادآوری

- ۱ - منابع و مأخذی که در تدوین اصل رسالهٔ دکتری مورد استفاده قرار گرفته‌اند به پیوست آورده شده است (۳۸۰-۳۷۴). بدیهی است که در تنظیم این مقاله آن هم به زبان فارسی همه آنها نقش غیرمستقیم داشته‌اند اگر چه از نظر ارتباط موضوعی همه آنها نقشی کاملاً مستقیم داشته‌اند.
- ۲ - متأسفانه هیچ منبع و مأخذ قابل ذکر به زبان فارسی نیافتیم.